



پنج‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ - ۳ - محرم ۱۴۴۸

## زنانی که فرهنگ حسینی را از هیئت به خانه می‌برند

صدای روضه که بالا می‌گیرد، کودک سرش را روی شانه مادر می‌گذارد. هنوز معنای بسیاری از واژه‌ها را نمی‌داند؛ نه «کر بلا» را می‌شناسد و نه «حماسه» را، اما اشک آرام مادر، دست کشیدن محبت‌آمیز او بر موهایش و زمزمه زیارت عاشورایی که زیر لب تکرار می‌شود، نخستین تصویرهای ذهنی او از محرم را می‌سازد. برای بسیاری از ما، عاشورا پیش از آنکه یک واقعه تاریخی باشد، یک خاطره خانگی است؛ خاطره‌ای که بوی چای روضه می‌دهد، صدای روضه دارد و با چادر مادری گره خورده که راوی نخستین قصه‌های کر بلا بوده است. در فرهنگ ایرانی، خانواده عضو ثابت و وفادار دستگاه حسینی است. اما اگر بخواهیم دقیق‌تر نگاه کنیم، در قلب این پیوند تاریخی، نقش زن و مادر برجسته‌تر از همه دیده می‌شود. مادران، حلقه واسط میان هیئت و خانه‌اند؛ آنها پیام روضه را به زبان زندگی روزمره ترجمه می‌کنند، اشک را به تربیت بدل می‌سازند و شور را با شعور پیوند می‌زنند. این گزارش، روایتی میدانی از زنانی است که فرهنگ عاشورا را نه فقط در مجالس عزاداری، که در متن خانه جاری کرده‌اند. | صفحه ۱۰



**محسن سیاسی کارشناس دین، تربیت و رسانه:** **یاسر رضایی، پژوهشگر حوزه اربعین:** **دکتر فاطمه قنادیان، روانشناس:** **زهرامیری، مدرس تاریخ:**

**مادران نخستین پیوند عاطفی کودک را با فرهنگ حسینی رقم می‌زنند** **عزاداری تراز مستلزم توازن معرفت محبت و حرکت است** **کودک را برای حضور در هیئت‌های مذهبی از نظر ذهنی و عاطفی آماده کنید** **استمرار فرهنگ عاشورا عزت، ایثار و مسئولیت را در خانواده بازسازی می‌کند**

## محرم، خانواده ایرانی و بازخوانی فرهنگ مقاومت برای نسل جدید



غروب آرام رام بر شهر می‌نشیند. صدای طبل‌ها از کوچه‌های قدیمی و خیابان‌های مدرن به گوش می‌رسد. پیرمردی دست‌نواش را گرفته و به سمت هیئت می‌رود. مادری در آشپزخانه مشغول آماده کردن نذری است. نوجوانی که بیشتر روزهای سال درگیر دنیای مجازی و دغدغه‌های نسل خود است، این شب‌ها همراه دوستانش بر چرم‌های سیاه را بر سر در محله نصب می‌کند. محرم از راه رسیده است؛ ماهی که تنها یک مناسبت مذهبی نیست، بلکه روایتی زنده از هویت ایرانی است؛ روایتی که قرن‌هاست در خانه‌ها، کوچه‌ها و قلب مردم جریان دارد و هر سال دوباره متولد می‌شود. در روزگاری که بسیاری از جامع با بحران هویت، فروپاشی پیوندهای اجتماعی و گسترش فردگرایی مواجه‌اند، محرم و فرهنگ عاشورا همچنان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های اتصال جامعه ایرانی به شمار می‌روند. عاشورا تنها یادآور یک حادثه تاریخی نیست، بلکه گنجینه‌ای از مفاهیم انسانی و اجتماعی است که توانسته از مرز زمان عبور کند و برای هر نسل پیامی تازه داشته باشد. شاید زار ماندگاری این فرهنگ نیز در همین ویژگی نهفته باشد؛ اینکه هر دوره می‌تواند دغدغه‌های خود را در آیین کر بلا بازخوانی کند. فرهنگ عاشورا در ایران پیش از هر چیز با نهاد خانواده گره خورده است. پیش از آنکه کودکی در مدرسه یا مسجد با نام امام حسین (ع) آشنا شود، این خانواده است که نخستین روایت‌ها را برای او نقل می‌کند. بسیاری از ایرانیان نخستین خاطرهای مذهبی خود را نه از کتاب‌ها، بلکه از فضای خانه، روضه‌های خانگی، نذرهای محرم و همراهی با پدر و مادر در مراسم عزاداری به یاد دارند. به همین دلیل محرم را می‌توان یکی از مهم‌ترین بستری‌های انتقال ارزش‌های فرهنگی و دینی میان نسل‌ها دانست.

در جامعه امروز که شکاف نسلی به یکی از دغدغه‌های مهم تبدیل شده، محرم همچنان فرصتی برای گفت‌وگوی نسل‌ها فراهم می‌کند. در بسیاری از خانه‌ها، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها روایت‌های عاشورا را برای فرزندان و نوه‌های خود بازگو می‌کنند و همین انتقال تجربه و خاطره ریشه‌ای از پیوستگی فرهنگی میان گذشته و آینده ایجاد می‌کند. این ویژگی در شرایطی که بسیاری از سنت‌های اجتماعی رفته رفته فراموشی رفته‌اند، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. از سوی دیگر، فرهنگ حسینی در ایران محدود به طبقه یا قشر خاصی نیست. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های محرم، حضور هم‌زمان اقشار مختلف اجتماعی در کنار یکدیگر است. در هیئت‌ها و مراسم عزاداری، تفاوت‌های اقتصادی، شغلی و اجتماعی تا حد زیادی رنگ می‌بازد و نوعی همبستگی جمعی شکل می‌گیرد. این همبستگی تنها یک احساس گذرا نیست، بلکه در عمل نیز خود را نشان می‌دهد؛ از مشارکت در برگزاری مراسم گرفته تا فعالیت‌های خیریه و کمک به نیازمندان. همین ظرفیت موجب شده است عاشورا در طول زمان به یکی از مهم‌ترین منابع تولید سرمایه اجتماعی در ایران تبدیل شود. سرمایه اجتماعی مفهومی است که به اعتماد، همکاری و مشارکت میان اعضای جامعه اشاره دارد. هر اندازه این سرمایه افزایش یابد، توان جامعه برای مواجهه با بحران‌ها نیز بیشتر خواهد شد. تجربه‌های مختلف نشان داده است شبکه‌های مردمی شکل گرفته در بستر هیئت‌ها و مراسم مذهبی، در موارد طبیعی، بحران‌های اقتصادی و شرایط دشوار اجتماعی نیز نقش مؤثری در بسیج ظرفیت‌های مردمی ایفا کرده‌اند. در این میان، نسل جوان جایگاه ویژه‌ای دارد. برخلاف برخی تصورات، مسئله اصلی جوانان امروز فاصله گرفتن از مفاهیم عاشورایی نیست، بلکه تغییر شیوه مواجهه آنان با این مفاهیم است. جوان امروز بیش از هر زمان دیگری به دنبال فهم، تحلیل و کشف ریشه‌هاست. او با شعارهای تکراری از ارتباط چندانی برقرار نمی‌کند، اما نسبت به مفاهیمی مانند عدالت، آزادی، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی حساس است. درست در همین نقطه است که پیام عاشورا می‌تواند با نسل جدید پیوندی عمیق برقرار کند. وقتی جوان امروز از ایستادگی امام حسین (ع) در برابر ظلم سخن می‌شود، تنها یک روایت تاریخی را نمی‌بیند، بلکه با الگویی مواجه می‌شود که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی او نیز معنا پیدا کند. عاشورا به او یادآوری می‌کند که انسان می‌تواند در سخت‌ترین شرایط نیز بر اصول اخلاقی خود پایبند بماند و در برابر بی‌عدالتی سکوت نکند. این پیام محدود به قرن نخست هجری نیست، بلکه همچنان برای جامعه معاصر نیز کاربرد دارد. در این میان، یکی از مهم‌ترین ابعاد عاشورا که می‌تواند برای جامعه امروز الهام‌بخش باشد، فرهنگ مقاومت است. مقاومت در منطق حسینی صرفاً یک واکنش سیاسی یا یک رفتار مقطعی نیست، بلکه یک منش انسانی و اجتماعی است که بر حفظ کرامت، ایستادگی بر اصول و احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه استوار شده است. عاشورا به انسان می‌آموزد که حتی در شرایطی که موازنه قدرت به سود جبهه ظلم است، می‌توان از حقیقت عقب‌نشینی نکرد و ارزش‌های اخلاقی را قربانی مصلحت‌های زودگذر نساخت. شاید به همین دلیل باشد که نهضت امام حسین (ع) پس از قرن‌ها همچنان الهام‌بخش ملت‌ها و جنبش‌های آزادیخواه است. در جامعه

## خانواده، خیمه‌ای بر پا در امتداد عاشورا

مجلس حسینی تجربه می‌کند، می‌تواند تصویری مثبت و ماندگار از دین در ذهن او بسازد. مادران در این میان نقش کلیدی دارند. تنظیم مدت‌زمان حضور، انتخاب جای مناسب در مجلس، گفت‌وگوی آرام پس از مراسم درباره آنچه کودک دیده یا شنیده و پاسخ به پرسش‌های او، همگی به شکل‌گیری تجربه‌ای سالم کمک می‌کنند. هدف آن است که کودک با اهل بیت (ع) انس بگیرد، نه اینکه از صحنه‌های غم‌انگیز دچار اضطراب شود. نقش مادران در انتقال فرهنگ عاشورا تنها به همراهی فرزندان در مجلس محدود نمی‌شود. آنان نخستین راویان این فرهنگ در خانه‌اند. همان‌گونه که پس از واقعه کر بلا، حضرت زینب (س) با خطبه‌ها و روشنگری‌های خود پیام عاشورا را به گوش تاریخ رساند، امروز نیز روایت عاشورا در فضای خانواده از زبان مادر آغاز می‌شود. عاطفه مادری پلی میان گذشته و آینده است. وقتی مادری از صبر حضرت زینب (س) می‌گوید یا از وفاداری حضرت زینب (س) روایت می‌کند، در واقع ارزش‌هایی را منتقل می‌کند که می‌تواند در زندگی روزمره جاری شود؛ صبر در برابر سختی، دفاع از حق، حفظ کرامت انسانی و احساس مسئولیت نسبت به جامعه. تربیت حسینی پیش از آنکه در کلمات شکل بگیرد، در رفتار روزانه والدین تجلی می‌یابد. عدالت میان فرزندان، صداقت در گفتار، وفاداری به عهدها و احترام به دیگران، همه می‌تواند جلوه‌ای از همان فرهنگ باشد. محرم همچنین فرصتی برای تکمیل پیوندهای خانوادگی است. در روزگاری که مشغله‌ها و فاصله‌های نسلی گاه اعضای خانواده را از هم دور می‌کند، مراسم عزاداری می‌تواند پل‌نهمی برای دیدار، گفت‌وگو و همدلی باشد. نذرهای خانگی و روضه‌های کوچک خانوادگی فضایی صمیمی ایجاد می‌کند که در آن دل‌ها به هم نزدیک‌تر می‌شود. چه بسیار کنورت‌هایی که در فضای معنوی محرم رنگ می‌یازد و جای خود را به آشتی می‌دهد. وقتی نسل‌های مختلف کنار هم در یک مجلس می‌نشینند، پلی میان گذشته و حال ساخته می‌شود. کنار این ظرفیت‌ها، ضرورت عزاداری آگاهانه نیز نباید نادیده گرفته شود. شور حسینی سرمایه‌ای ارزشمند است، اما این شور باید با شعور همراه باشد. خانواده‌ها در انتخاب هیئت و نوع عزاداری باید به اصالت محتوا، روایت‌ها و کرامت انسانی توجه کنند. خرافه، تحریف و رفتارهای آسیب‌زانه تنها کمکی به ترویج فرهنگ عاشورایی نمی‌کند، بلکه می‌تواند نسل جدید را دچار تردید کند. عزاداری صحیح آن است که افزون بر برانگیختن احساس، به تعمیق معرفت و تقویت اخلاق بینجامد.

عاشورا در نهایت فراخوانی به مسئولیت است. پیام «باری حق» محدود به یک زمان خاص نیست. در زندگی امروز، باری حق می‌تواند در کمک به نیازمندان، صداقت در کار، دفاع از عدالت، همدلی در بحران‌ها و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی جلوه گر شود. اگر خانواده‌ها بتوانند این پیوند میان سوسوگاری و مسئولیت اجتماعی را برای فرزندان تبیین کنند، محرم از سطح یک مراسم سالانه فراتر می‌رود و به الگویی برای سبک زندگی تبدیل می‌شود. ایثار تنها در میدان جنگ معنا نمی‌یابد؛ در گذشت از خودخواهی‌های روزمره، در بخشیدن، در شنیدن سخن دیگری و در اولویت دادن به حقیقت نیز متجلی است. خانواده حسینی خانواده‌ای است که در آن کرامت، عدالت، محبت و مسئولیت جاری است. والدین با رفتار خود این مسیر را هموار می‌کنند و محرم هر سال فرصتی برای بازخوانی و تقویت آن فراهم می‌آورد. عاشورا حادثه‌ای در گذشته نیست؛ راهی برای امروز و فرداست. هر خانگی که در آن از حق طلبی و وفاداری سخن گفته می‌شود و این ارزش‌ها در عمل دیده می‌شود، خیمه‌های از خیمه‌های حسینی (ع) است. اگر این خیمه در دل خانواده‌ها استوار بماند، فرهنگ حسینی نه تنها حفظ خواهد شد، بلکه نسل به نسل پویاتر و اثرگذارتر ادامه خواهد یافت.

## نبره ساری

شب‌های محرم حال‌وهوای دیگری دارد؛ کوچمه‌هایی که سیاهپوش می‌شوند، صدای روضه‌ای که از مسجد یا حسینیه محل به گوش می‌رسد و مادری که دست کودک را در دست می‌گیرد و به مجلس عزاداری می‌برد. کودک هنوز معنای دقیق کر بلا و شهادت را نمی‌داند، اما چیزی در جان او شکل می‌گیرد؛ احساسی از تعلق، از همدلی و از حضور در جمعی که برای حقیقت اشک می‌ریزد. تربیت حسینی اغلب از همین تجربه‌های ساده و عاطفی آغاز می‌شود. عاشورا برای خانواده ایرانی صرفاً یک واقعه تاریخی یا یک آیین مذهبی سالانه نیست، بلکه بخشی از حافظه زیسته و هویت مشترک نسل‌هاست؛ خیمه‌ای که قرن‌ها پیش در کر بلا برپا شد و امروز در خانه‌های ما امتداد یافته است.



راز پیوند عمیق خانواده ایرانی با عزاداری امام حسین (ع) را باید در همین تداوم خانوادگی جست‌وجو کرد. فرهنگ عاشورا پیش از آنکه در کتاب‌ها ثبت شود، یاد در رسانه‌ها بازتاب می‌دهد، به‌خاطر روایت شده است. مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها خاطرات محرم‌های دور را نقل کرده‌اند، نذرهای کوچک و صمیمی در آشپزخانه‌ها پخته شده، بر چرم‌های سیاه بر سر در خانه‌ها نصب شده و کودک در کنار بزرگ‌ترها با این فضا خو گرفته‌اند. بسیاری از خاطرات مشترک خانواده‌ها با محرم گره خورده است؛ شب‌هایی که همه کنار هم نشسته‌اند، نوحه‌ای که سال‌ها در ذهن مانده و اشکی که بی‌تکلف جاری شده است. این تجربه‌های مشترک، عاشورا را از یک مناسک فردی به بخشی از هویت خانوادگی تبدیل کرده است. در چنین بستری، محرم به مدرسه‌ای بی‌دیوار برای تربیت تبدیل می‌شود. مفاهیمی چون شجاعت، وفاداری، ایثار، حق‌طلبی و مسئولیت‌پذیری، در داستان کر بلا جلوه‌ای عینی و ملموس پیدا می‌کنند. نوجوانی که از وفاداری حضرت عباس (ع) می‌شنود یا از ایستادگی حضرت قاسم (ع) در کنار امامش، با الگویی انسانی مواجه می‌شود، نه با یک مفهوم انتزاعی. با این حال، انتقال این مفاهیم نیازمند طرف‌داری است. کودک و نوجوان پیش از هر چیز با روایت و احساس ارتباط برقرار می‌کنند. اگر زبان بیان متناسب با سن آنان باشد و از تصویرسازی‌های خشک و هراس‌آور پرہیز شود، پیوندی عاطفی و آرام با فرهنگ حسینی شکل می‌گیرد، اما اگر انتقال پیام با هیجانات افراطی یا ترس همراه شود، ممکن است نتیجه‌ای معکوس داشته باشد و به جای انس، فاصله ایجاد کند. حضور کودک در مجلس روضه، اگر با درک نیازهای او همراه باشد، فرصتی ارزشمند است. کودک در سال‌های نخست زندگی پیش از آنکه مفاهیم را بفهمد، فضا را جذب می‌کند. امنیت، آرامش و آشنایی با مهدی‌ای که در